

## آشتی و تاریخ و افغانستان و جغرافیای افغانستان

جمله کلیشه ای تاریخ، چراغ راه آینده است؛ را همه شنیده و یا در جایی خوانده ایم. نگا به گذشته تاریخی بشر، نشان می دهد که علم تاریخ همواره مورد توجه بود و در بستر خاص خود دائماً در حال حرکت بوده است.

جمله کلیشه ای تاریخ، چراغ راه آینده است؛ را همه شنیده و یا در جایی خوانده ایم. نگا به گذشته تاریخی بشر، نشان می دهد که علم تاریخ همواره مورد توجه بود و در بستر خاص خود دائماً در حال حرکت بوده است. همواره وقایعی رخ می دهند و سپس این رخدادها به صورت جزء درمی آید. همین جزء که به صورت آگاهی متراکم درمی آید، تاریخ را می سازد. جزء هرچند صورتی ذهنی می یابد، اما واقعیت دارد. در نتیجه، بخش اساسی از وجود ما را تشکیل می دهد. از این نظر، نسبت تاریخ با جامعه، همان رابطه میان آگاهی و وجود است؛ پس ناآگاه بودن مساوی است با وجود نداشتن.

از این سخن کوتاه می توان دریافت که آگاهی تاریخی تا چه اندازه با حیات اجتماعی یک ملت پیوند دارد. بنابراین، هر ملت با هر فرهنگی، به آموزش تاریخ چه به طور غیر رسمی و چه به طور رسمی می پردازد و بدین ترتیب، بقای خویش را تضمین می کند. همین آگاهی از تاریخ، یعنی سرگذشت اجتماعی است که هویت یک ملت را شکل می دهد و بدون شک نمی تواند با حقایق اخبار بیگانه باشد؛ از این نظر که مبتنی بر نگاه وجود شناسانه به تاریخ است. تاریخ چیزی جز حقیقت رخدادهای گذشته نیست. اما از منظر معرفت شناسانه، تحریف تاریخ، یعنی دروغ گویی؛ جریانی موفق نخواهد بود؛ زیرا نه تنها واقعیات گذشته را تغییر نمی دهد، بلکه خود به صورتی واقعیاتی تاریخی درمی آید و موجب رسوایی دروغو می شود.

خلقی ها، پرچمی های، مشروطه خواهان و ... به راستی واژه های مذکور چه چیزی را در ذهن فرد افغانستانی تداعی می کنند؟ نسل امروز، تا چه اندازه واصل قندهاری، کاتب و طرزی را می شناسد؟ واقعیت این است که متأسفانه جامعه افغانستان با گذشته تاریخی خود کاملاً بیگانه است و آینده سازان این سرزمین، حتی از یک آگاهی اجمالی درخصوص گروهها و چهره های فعال سیاسی سالهای گذشته بی بهره اند. اما به راستی چرا؟ چرا یک جوان افغانستانی که بدنبال برون رفت از مشکلات پیچیده امروز افغانستان است؛ اطلاعات کمی از گذشته جامعه و تاریخ خود دارد؟ چرا ما جریانها و گروههای فعال در عرصه سیاسی و اجتماعی مملکت خود را حتی در محدوده چند دهه گذشته نمی شناسیم؟ چرا مردم ما و تحصیلکردگان ما به مطالعه و بررسی چهره ها و جریانات تاثیرگذار در تاریخ خود، رغبت نشان نمی دهند؟

حضور مداوم در صنف های تاریخ معاصر افغانستان و ناآشنایی دانشجویان با تاریخ این مرز و بوم شاهی بر این مدعا می باشد. زمانی که دانشجو با دیدن مضمون تاریخ معاصر افغانستان در برنامه های درسی بلافاصله این سوال را مطرح می نماید، که چرا باید تاریخ بخوانیم؟! در حالی که تاریخ کشور ما نکته مثبتی ندارد! و ...

در واقع، می توان گفت که عدم توجه و علاقه به یک پدیده و موضوع، معمولاً دو منشا می تواند داشته باشد: یا خود آن پدیده، ارزش و اعتبار چندانی ندارد و یا به درستی قدر و جایگاه آن معرفی و شناسانده نشده است. درخصوص خود مقولات تاریخ معاصر، مسلماً نمی توان گفت این مقوله ها ارزشمند و یا حائز اعتبار نیستند؛ چراکه حتی منثورترین چهره ها و گروهها نیز به حال بر جامعه تاثیرگذار بوده اند و به همین دلیل می بایست مورد توجه و بررسی قرار گیرند؛ تا نتایج و پیامدهای عملکرد ایشان بر زندگی امروز را دریافت و عوامل اصلی بسیاری از مشکلات را دریافت. به عبارت دیگر، صرف عدم مقبولیت یا منطبق نبودن فرد یا جریانی با باورها و اعتقادات ما، دلیل موجهی برای بی توجهی و عدم بررسی آنها نیست. البته به تناسب میزان و دامنه تاثیرگذاری افراد و گروهها، میزان توجه به هر کدام از آنها نیز متغیر خواهد بود و طبعاً هرچه یک فرد یا جریان، بزرگتر، مهمتر و موثرتر باشد، مطالعه و بررسی بیشتری را نیز خواهد طلبید. اما امروزه در بررسی آسیب شناسی اجتماعی معمولاً به فاصله گرفتن نسل جدید از تحولات و تاریخ نسل پیشین اشاره می شود؛ چنانکه بارها شنیده می شود نسل جدید علاقه و انگیزه ای برای کسب آگاهی از تاریخ گذشته و مطالعه آن ندارد.

این درحالی است که نوجوانان و جوانان و حتی بزرگسالان به صورت طبیعی، همواره گرایش و تمایل درونی به کسب آگاهی از تاریخ و سرگذشت پیشینیان دارند و بر این ادعا شواهد متعددی می توان برشمرد. درواقع پاسخ معقول و قانع کننده آن است که گفته شود نحوه و نوع ارائه مباحث تاریخی است که بر میزان بروز این علاقمندی تاثیر می گذارد.

متأسفانه رویکرد فعلی به مقولات تاریخی، به گونه ای است که مخاطب را از تاریخ و هرچه رنگ و بوی تاریخی دارد، رویگردان و گریزان می کند. محقق، مورخ، نویسنده و مفسر تاریخ است که با رعایت جنبه های لازم و بایسته این کار، خواننده را جذب و یا دفع می کند. به عبارتی علاوه بر اعمال دقت و امانت داری در تحقیقات و گزارشهای تاریخی، داشتن اطلاعات پیرامونی، تجربه و دانش اجتماعی و نیز رعایت فنون مخاطب شناسی و ابلاغ، از موثرترین موارد تاثیرگذار در جذب و علاقمند نمودن خوانندگان به چنین موضوعاتی به شمار می رود. مسلماً با عنایت به این جنبه های مساله است که متن یا مطلب تاریخی، از محدوده خواص عبور کرده و کل جامعه را متوجه خود می کند. با نظر به این جنبه است که باید گفت تنزل در شأن کار تاریخی و تاریخ نگاری در سالهای گذشته، بیش از هر چیز معلول جایگاه و نوع اهتمام خود مورخان و محققان این حوزه است. نه تنها مخاطبان عادی، بلکه حتی قشر تحصیلکرده و فرهیخته دانشگاهی نیز امروزه چندان با متون تاریخی سروکار ندارند؛ یا به عبارتی مطالعات تاریخی، در میان مطالعات جانبی این افراد و نیز در مطالعات اوقات فراغت آنها، نقش و جایگاهی ندارد؛ چراکه کارکرد و اهمیت این حوزه مطالعاتی تفهیم نشده است و آثاری که ارائه می شوند، ضعیف و غیرجذاب هستند. از دیدگاه اغلب خوانندگان، نگاشته های تاریخی بیشتر با چنین اوصافی تداعی می شوند: دربردارنده ادعاهای عجیب و ایراد اتهامات به چهره ها و جریانات بدون مستندات کافی؛ جانبداری بی مهابا و کورکورانه از یک موضوع یا نگرش خاص؛ آکنده بودن از ابراز انزجار و نفرت نسبت به اشخاص و جریانه؛ وارد شدن به جزئیات بدون ارائه چارچوب و طرح کلی موضوع؛ ذکر انبوهی از اسامی افراد، مکانها، سالهای تولد و مرگ؛ پرداختن به یک دوره تاریخی بدون رعایت تقدم و تاخر وقوع تحولات و وقایع آن دوره؛ بی اطلاعی خود نویسنده از این که به حال از نگاشتن مطلب تاریخی چه هدفی دارد و در پی اثبات و رسیدن به کدام فرضیه است و ... چنانکه گاه حتی در محافل دانشگاهی شنیده می شود که: «حال فرض کنید فلان فرد، فلان کار را کرد یا فلان شاه چنان شخصیتی داشت و اینطور بود! دانستن آن چه سودی به حال من دارد؟! این مباحث کدام درد ما را دوا می کند!»

مسلماً وقتی خود مورخ و نگارنده تاریخ، به اهمیت و غایت کار خود واقف نباشد، خواننده ولو دانشگاهی حق دارد چنین دیدگاهی داشته باشد. این مساله نشان می دهد که مورخ

نمی‌تواند کم‌وکیف نیاز جامعه به پشتوانه تاریخی خود را درک کند. تاریخ هر ملتی هویت‌بخش و تقویت‌کننده پایه‌های آن ملت است و بر همین اساس، هر رویداد و یا مشکلی، بر مبنای این پایه‌ها است که در بستر جامعه قابلیت تفسیر و کاوش می‌یابد؛ به‌عنوان مثال، اگر در جامعه‌ای بحث وطن‌فروشان مطرح می‌شود، تاریخ می‌تواند با ارائه نمونه‌هایی در سالهای گذشته، چنین گروه‌هایی و سرانجام کار آنها را معرفی کند و مردم را نسبت به خطرات ناشی از عملکرد آنان آگاه سازد؛ و یا اگر غربزدگی امروزه در جامعه به یک معضل تبدیل شده است، مورخ تیزهوش و نکته‌سنج می‌تواند به معرفی درست و واقع‌گرایانه غرب و عملکرد آن در تاریخ معاصر کشورمان، و از این رهگذر به روشنگری بپردازد. بدون شک تاریخ هرگز تکرار نمی‌شود، اما اشتباهات تاریخی تکرار می‌شوند و هنر یک محقق در آن است که با انتقال تجربه تاریخی یک ملت، از تکرار این اشتباهات جلوگیری کند و بتواند آن را با استفاده از فن بیان، بدون آنکه واقعیت را دچار دستبرد و خدشه سازد، در موقعیتهای متفاوت از روایت‌های مختلف بهره ببرد. مسلماً برای چنین پردازشی، یک مورخ باید به ادبیات میهنش تسلط کافی داشته باشد تا بتواند اولاً زبان خود را غنی سازد و ثانیاً لازم است که او با جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی و نیز با فلسفه تاریخ و اندیشه سیاسی آشنا باشد و نیز حس میهن‌دوستی، انسان‌دوستی و دینمداری در وی بارور باشد تا ضمن تشخیص نیازهای کنونی کشور، چنان دست به قلم ببرد و از احوال چهره‌ها و گروه‌های حادثه‌ساز تاریخ معاصر سخن بگوید که موجبات جلب توجه مردم را به مطالب تاریخی فراهم آورد. تنها با اتخاذ چنین رویکرد همه‌جانبه‌ای به مقولات تاریخی و به‌ویژه تاریخ معاصر است که تاثیرگذاری تاریخ در تمامی شئون زندگی جامعه نمود خواهد یافت. از این‌رو پیش‌ازهرچیز باید مردم را با تاریخ آشتی داد و سپس به قضاوت درباره تاثیر آن در زندگی اجتماعی پرداخت. وقتی مردم اصلاً با تاریخ آشنا نبوده و بدان بی‌توجه باشند، چطور می‌توانند از آن متأثر شوند و به عبرت‌گرفتن و نکته‌چینی از تحولات تاریخی بپردازند. وقتی مردم نمی‌دانند اندیشه‌های مارکسیستی چیست و استالین که بود؟ چطور می‌توان آنان را به درس‌نگرفتن از تجربه تلخ نظام کمونیستی در کشور محکوم کرد؟ بنابراین به‌نظر می‌رسد پیش‌ازهرچیز محققان و مورخان کشور، به‌ویژه در حوزه حساس و پراهمیت تاریخ معاصر، باید به راه‌اندازی یک نهضت آشتی با تاریخ همت گمارند و شرط اصلی و اساسی توفیق در این راه، پرداختن شیوا، مستند، دقیق و هدفمند به تحولات تاریخ معاصر است. تولید متن تاریخی با چنین رویکرد و ویژگی‌هایی، ابتدا خواننده را به خود جلب خواهد کرد و سپس معلم انسانها خواهد بود.